

شهید ایرج رنجبر



نام پدر	باقر
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۹/۰۹
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۴/۱۱/۲۱
محل شهادت	اروندروود
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانشجو
تحصیلات	دانشجو
مدفن	دیر

زندگینامه

شهید ایرج (رضا) رنجبر در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای متدین و مستضعف در دیر متولد شد. پدرش در شهر دیر به کارگری مشغول بود. سال های اولیه زندگی را به فراگیری مسایل مذهبی و خواندن قرآن در مکتب خانه ها طی کرد. دوره ابتدایی را در دبستان آیت الله سعیدی بندر دیر و دوره راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شهید محمد منتظری دیر با موفقیت و نمرات خوبی طی کرد و همچنان که پا به سن می گذاشت، اخلاق و رفتارش بهتر می شد و به همه احترام می گذاشت و بیشتر اوقات خود به مطالعه و خواندن قرآن و کتاب های مذهبی می گذراند. با شوق عجیبی به نماز می استاد و همیشه سعی می کرد خود را به مسجد برساند تا در نماز جماعت شرکت کند.

با شروع انقلاب اسلامی و اوج گیری تظاهرات، با وجود سن کم، مرتب در تظاهرات و راهپیمایی بر علیه رژیم شاه خائن، شرکت می کرد و در پخش اعلامیه های حضرت امام خمینی (ره) فعالیت شایانی داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پی فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر تشکیل ارتش بیست میلیونی در بسیج دیر ثبت نام کرد و به کار نظامی و تبلیغاتی مشغول شد. شهید در عین حال، از درس نیز غافل نمی شد و در دبیرستان آیت الله طالقانی دیر دروس خود را دنبال کرد.

با شروع جنگ تحمیلی به فکر جبهه و انقلاب بوده تا آنجا که برایش مقدور بود، عازم جبهه می شد و دلش نمی خواست که غیر از جبهه یا بسیج، جایی داشته باشد. چندین بار در جبهه های جنوب، کردستان و گیلان غرب شرکت کرد و یک بار نیز از ناحیه کمر مصدوم شد، ولی اصلاً ابراز نمی کرد. اوقات فراغت خود را به مطالعه، مخصوصاً مطالعه کتاب های آیت الله شهید دستغیب و شهید مطهری و نهج البلاغه می گذراند. موقع غذا، هر غذایی که جلوش می گذاشتند، می خورد. لباس ساده، از هر نوع کفش و شلواری می پوشید و هیچ وقت از پدر یا برادر بزرگتر، درخواست یک ریال پول نمی کرد. بی ریا، مخلص، چهره آرام و دوست داشتنی و مهربان داشت. رفتار و کردار مخصوص خود داشت. با همه برخوردی خوب و اسلامی داشت و همه از اخلاق و رفتارش راضی و خشنود بودند.

شهید رنجبر، در ادامه تحصیلات، برای بر عهده گرفتن معلمی، که شغل انبیاست، وارد مرکز تربیت معلم پسران بوشهر شده و رشته دبیری ادبیات فارسی را دنبال کرد. دانشجوی سال دوم بود که برای چهارمین مرحله در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۷ عازم جبهه شد و پس از گذارندن دوره آموزشی و با شروع عملیات غرور آفرین والفجر ۸ که منجر به فتح شهر فاو به دست نیرومند رزمندگان اسلام شد؛ در آب های اروندرود و به وسیله چند تیر دشمن بعثی در مورخه ۱۳۶۴/۲۱/۱ به درجه رفیع شهادت نائل آمد و معلم ایثار و از خودگذشتگی برای دانش آموزان شهرش شد.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و كفر عنا سيئاتنا و توفنا مع الابرار.

الله اكبر، اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان اميرالمومنين علياً ولي الله.

با درود فراوان به یگانه پرچمدار اسلام، مهدی آل محمد و نائب بر حقش حضرت روح الله الموسوی الخمينی و با درود به تمام شهیدان راه حق و فضیلت و سعادت و با درود بر تمامی رزمندگان جبهه حق علیه باطل و نور علیه ظلمت و جهالت. وصیتنامه خود را آغاز می کنم:

سلام بر همه ی مردم شهید پرور و امام جمعه عزیز دیر و همه ی دوستانم و نزدیکانم، وصیتنامه خود را آغاز می کنم: وصیت اول من برای برادران بسیجی است که این سنگر بزرگ را حفظ کنند و آن را خالی نکنند چون که اگر بسیج خالی شود یک جشن بزرگی برای دشمنان اسلام است.

هدف ما از این که به جبهه می رویم نه شهادت سعادت است که نصیب هر کس نمی شود و چون «تمام مقصد ما مکتب ماست» برای رسیدن به این مقصد باید خون داد. تنها فقط برای رفع مسئولیت بلکه برای پاسداری از حریم خون شهیدان و برای حفاظت از دین مبین اسلام تا لحظه باید از جان و مال دنیوی گذشت و به تو ای خونم سفارش سفارش می کنم که حتی یک قطره هم در رگ هایم نمی خواهم باقی بماند، بلکه همه و همه ی آن را می خواهم برای بارور شدن درخت جمهوری اسلامی به پای آن بریزی تا شاید بتوانی با سرخی خود، این درخت پر ثمر و حیاتی جمهوری اسلامی و امید تمامی مستضعفان روی این کره ی خاکی رشد دهی. آری در مکتب سرخ شهادت اگر می توانی همه کفار و بی دینان را از بین ببر و یا این که مرگ سرخ را بر مرگ سیه ترجیح ده و شهید شو. خدایا از تو می خواهم که مرا با بدن سالم به پیش خود خوانی و مرا چنان قطعه قطعه بمیران تا در نزد شهیدان گربلا که در زیر سم اسبان قوم کافر له شدند شرمنده نباشم. ای خدای مهربان! تو گواه و شاهد هستی که من فقط برای تو و به رضای تو عازم جبهه ها هستم و تنها هدف و سعادت خود را شهید شدن در راه تو می دانم. پس از تو مسئلت می خواهم که این آرزو و امیدی که در دل من است نا امید نگردانی و به هدف و سعادت خود برسانی آمین.

از برادرانم می خواهم که آن راهی را انتخاب کنند که اسلام و امام می رود و به پیرو دین اسلام باشند که غیر از دین اسلام جز به چاه رفتن راهی دیگر وجود ندارد. و تو ای مادر عزیزم از تو می عاجزانه می خواهم که در مرگ من هیچ گونه تضرع و زاری ننمایی و نه تنها در مرگ من ناراحت و غمگین نباشی بلکه آن را یک افتخاری بس عظیم و مورد سعادت ابدی خود بدانی و چون ما در نزد شما یک امانتی بیش نیستیم که حتماً آن را باید پس داد و چه خوب است که پس دادن این امانت همراه مرگ سرخ باشد. امیدوارم که مادر، خواهر کوچکم را همچون زینب بزرگ کند و آن را تحویل اجتماع دهد. از پدر عزیز می خواهم که اگر من شهید شدم به بالین سرم بیایی و دست ها را به طرف خدا بلند کنی و بگویی که خدایا این قربانی نا قابل را از ما بپذیر. همگی شما را به خدای بزرگ می سپارم. خداوند همه رزمندگان را پیروز و پرچم لاله الا الله را بر تمامی کره ی زمین سرافراز نمایند.

شهادت تزریق خون است بر پیکر اجتماع. (شهید مطهری)

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

بسم الله الرحمن الرحيم

لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم انا لله و انا الیه راجعون.

اشهد ان لا اله الا الله. اشهد ان محمداً رسول الله. اشهد ان امیر المؤمنین علی ولی الله.

با حمد و سپاس بیکران خدای را و با درود و سلام بر یگانه منجی عالم بشریت، حضرت مهدی(عج) و با سلام بر نائب برحقش امام امت، رهبر کبیر مستضعفان و مسلمانان جهان در قرن حاضر وصیت نامه ی خود را می نویسم:

قبل از هر چیز از پدر و مادر بزرگوارم می خواهم که اگر توفیق عظیم و سعادت ابدی نصیب من شد و در راه اهداف مقدس جمهوری اسلامی و بر پای کردن پرچم لا اله الا الله و کشته شدن در راهی که ارث آن از اولیا الله به ما رسیده است یعنی شهادت در راه خدا هیچ ناراحتی و ماتمی به خود نگیرید و بدانید که جان دادن برای یک هدف والا و مقدس یعنی اسلام عزیز که بهترین مردان تاریخ و بهترین سرمایه های جامعه های اسلامی همچون حسین بن علی که حتی از سر و جسم خود و از آل و عیال خود گذشت و سر خود را به نیزه ها داد تا دین جدش محمد(ص) بر پای بماند، بسی افتخار و سربلندی در نزد خداوند است آری جان دادن در راهی که حسین(ع) آن خط سرخ را امضا کرد چه راهی زیباست و چه بهتر از این که خداوند می فرماید: «ان الله اشتری من المؤمنین اموالهم و انفسهم بان لهم الجنة» و چه مشتری بهتر از خداوند و چه قیمتی بهتر از بهشت رضوان. خدایا این مرگ سرخ را که بهترین ارمغان است از طرف تو برای من عطا فرما و خدایا تو شاهی که این جان ناقابل و این خونی که در این دشت های لاله گون بر زمین ریخته می شود به رضای تو و به خاطر دین مقدس اسلام است و از تو می خواهم که این ذره ای که به دریای جود و کرم و به لقا تو می پیوندند قبول بفرمایید خدایا این جوانانی که خالصانه در راه احیا احکام دینت قدم برداشته اند و در این راه از سر و جان خود گذشته اند پیروز بفرما و این جمهوری اسلامی را به دست رهبر کبیر انقلاب به صاحب اصلیش، حضرت مهدی(عج) بسپار. الهی آمین یا رب. وصیتی که به هم سن و سال های خود دارم این است: جوانان عزیز، ای کسانی که سرمایه های مملکت هستید و تمام امید رهبران به شماست از یاری کردن به این انقلاب و همراه بودن با امام امت دست بردارید، زیرا سعادت دنیا و آخرت شما در گرو همین دو امر است: مطیع بودن به دستورات اسلامی و پرداختن به تهذیب نفوس، خود همیشه به یاد خدا باشید زیرا تنها یاد خداست که دل ها آرامش پیدا می دهد. فکر نکنید که چیزهایی غیر از این باعث تسکین دل های شما می گردد و اگر غیر از این باشد بدانید که آن هوای نفس و شیطان است و دل های شما خیلی حساس است و بکوشید که تنها قلبتان در فکر خدا باشد زیرا امام صادق(ع) می فرماید: قلبها جای خداست و جا ندهید غیر از خدا در قلب های خود سجده کنید با ساجدین و رکوع روید با راکعین. امت شهید پرور نیز بدانند که: این نماز جمعه و این امام جمعه عزیز یکی از نعمات ارزنده ی خداوندی است که نصیب شما شده است و قدر آن را بدانید که حتماً ان شاء الله می دانید که حدیث است: پایی که برای نماز جمعه قدم بر می دارد طرف جهنم نمی رود و همین طور برادران عزیز من: وصایای این برادر حقیرتان را از جان و دل عمل کنید و باعث افتخار باشید برای خانواده گرامی: خدا ان شاء الله پشت و پناهنده باشد و باز تکرار می کنم از پدر و مادرم عاجزانه می خواهم که در مرگ من خیلی نگران نباشید، مگر خدا نمی فرماید: الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا انا لله و انا الیه راجعون همه ی ما برای مرگ آفریده شده ایم و همگی کاروانی هستیم که به سوی مرگ می شتایم، اما یکی زودتر و یکی دیرتر می رود و از خدا بخواهید که این قربانی ناقابل از شما قبول بفرماید و بخواهید که صبر جمیل به شما عنایت بفرماید که بهترین سرمایه ها، صبر در برابر مشکلات است.

و اما دوستان دانشجوییم که مشغول تحصیل هستید: بدانید که معلمی شغل با اهمیتی است که به قول امامان شغل

انبیاست و چه شغلی بهتر از اینان شا‌الله که سرمایه های خوبی برای جامعه اسلامی باشید و این بچه هایی که امید این انقلاب هستند و در زیر دست شما ،خوب پرورش دهید و واقعاً امیدی باشد برای امام و انقلاب اسلامی. شا‌الله تعالی.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.خدایا خدایا تا انقلاب مهدی،حتی کنار مهدی خمینی را نگهدار.حکومت اسلامی به دست مهدی بسپار.رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما. الهی آمین یا رب. مرا در شاهزاده ابوالقاسم نزد دیگر شهدا دفن نمایید.

رضا (ایرج)رنجبر



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران